



تیرنگ | Tirang
مجری تبلیغات محیطی و مجازی

گرگان: خیابان امام خمینی (ره)
آفتاب ۲۴، نبش دارویی دوم

☎ ۰۹۱۱۳۶۸۲۳۵۷ | 📧 Tirang.Studio | 📄 ۰۹۳۶۹۵۹۶۲۰۳ | 🌐 tirang.advertising@gmail.com

یادداشت اول

بزرگداشت مولانا

■ با مسوولیت سردبیر

هشتم مهر را روز مولانا نامگذاری کرده اند. روح بلند و وسیع مولانا باعث شده است که جایگاه برجسته ای در تاریخ و فرهنگ جهان و زبان فارسی به خود اختصاص دهد. جلال الدین محمد که بود و چه کرده است که یکی از ستونهای فرهنگی ایران زمین و زبان فارسی و یکی از استوانه های دانایی بشری شده است، او که فقیهی خیره و یک مفتی صاحب نام اهل سنت و از خاندان علم و دانش در روزگار خود بود، چگونه به زیوری آراسته شد که شمس تبریزی نیز درباره اش چنین می گوید: خوب گویم و خوش گویم، از اندرون روشن و منورم، آبی بودم بر خود می جوشیدم و می پیچیدم و بوی می گرفتم، تا وجود مولانا بر من زد، روان شد، اکنون می رود خوش و تازه و خرم یک فقیه اهل مدرسه چگونه شد که به گونه ای وسعت یافت که می تواند پس از عاشقانه های دیوان شمس، پانزده سال مستمر و هرشام برای مستمعان مثنوی بسراید و در آن همه اندیشه های حکمی، فلسفی و معرفتی را به نظم برای ما باقی بگذارد؟ او که سجاده نشین با وقاری بود چگونه شد که بازیچه کودکان کوی شد و این بازیچه کیست که کلامش، جان را صیقلی می دهد و روح را نوازش می کند و چون شرب مدام خوانندگان خود را مست و خمار نگه می دارد؟ این چگونه عارفی است که سماع می کند و می سراید که:

ز خاک من اگر گندم بر آید
از آن گران پزی مستی فزاید
خمیر و نانبا دیوانه گردد
تنورش بیت مستانه سراید
میای دف به بزم من برادر
که در بزم خدا غمگین نشاید
این قله آشفشان که تا دم آخر حیات
غرق عشق لایزال الهی بود و حتی در
واپسین دم هم از طبع خروشان او بی قرار
بود، وقتی به بهاء ولد گفت:

رو سربنه به بالین تنها مرا رها کن
ترک من خراب شبگرد مبتلا کن
در خواب دوش پیری در کوی عشق دیدم
بادست اشارتم کرد که عزم سوی ماکن

ادامه در صفحه ۲

دومین مرکز تخصصی
نجات فرزندان سقط افتتاح شد



تاریخ سازی ژیمناستیک کارگستانی
در هاگتزو



سهم نیم درصدی کتابخانه ها از درآمد
شهرداری ها قانون است



گلشانه

روزنامه

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

یکشنبه ۹ مهر ماه ۱۴۰۲ / سال بیست و پنجم / شماره ۸ / ۲۶۴۹ / صفحه ۲۵۰۰ / تومان



روزگار خاکستر نشینی
طلای سفید تمام می شود؟

« ۱ »



ایجاد کنسولگری ترکمنستان در گرگان
مورد بررسی قرار گرفت

« ۵ »

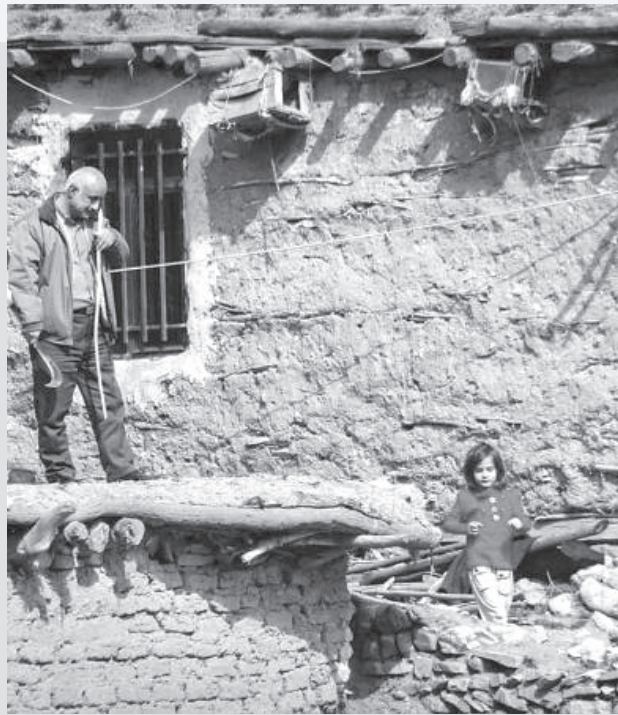


زندگی
شمس و مولانا

« ۴-۵ »

مهاجرت روستاییان

■ خالی شدن روستاها از سکنه یعنی تغییر و تبدیل انسان های مولد به افراد مصرف کننده



نوروزعلی حسن عباسی - مهاجرت روستاییان به شهرهای دور و نزدیک در کشور ما باعث شده است که بیش از نیمی از روستاهای کشور خالی از سکنه شده و از چرخه تولید خارج شوند که علل آن بی شمار است. مهمترین این موارد را باید فقر اقتصادی، بیکاری، بیماری، کاهش درآمد در مقابل افزایش هزینه های تولید در کنار امکانات و جاذبه های شهری و امکان اشتغال بیشتر و بهتر در شهرها در مقابل محرومیت و فقدان حمایت و امکانات توسعه روستائی نظیر امکانات رفاهی، آموزشی، بهداشتی و اقتصادی و هم چنین عوامل و بلاهای طبیعی از قبیل خشکسالی، کمبود بارش، از بین رفتن منابع آبی، زلزله، سیل، طوفان شن عنوان کرد. روستاها کانون تولید مواد اولیه مورد نیاز مردم و صنایع هستند. لذا خالی شدن روستاها از سکنه یعنی تغییر و تبدیل انسان های مولد به افراد مصرف کننده آنها مصرف کننده اقلام خارجی که با خروج ارز که زمینه ساز وابستگی، تهی شدن منابع ثروت، فقر عمومی و عقب ماندگی و از بین رفتن جلوه های طبیعی و آثار تمدنی انسان ساخت در کشور می شود. از طرف دیگر مهاجران روستائی بالاجبار

مجموعه های کوچک و بزرگی در حاشیه شهرها ایجاد می کنند که از کمترین امکانات زیستی برخوردارند و وجود آنها برای آنها، دولت و مردم شهرها همیشه مساله ساز بوده است. اگر باور کنیم و اگر بخواهیم، هنوز هم می توان با برنامه ریزی و اعمال مدیریت

کارآمد به این چالش بزرگ اقتصادی و اجتماعی سر و سامان داد و حداقل کمتر از نیمی از باقیمانده روستاها را نجات داد که راهکار عملی آن عبارتند از: توجه بیشتر دولت و مجلس به توسعه روستائی و حداقل نگاه عادلانه و برابر در ارائه خدمات و ایجاد

● عضو هیات علمی دانشگاه

بخش پنجم

زندگی



مهدی سیف حسینی - وقتی برای فهم اطلاعات بیشتر، واژه زندگی را در اینترنت جستجو می‌کنی، پیام‌ها آنقدر انبوه، گسترده و متنوع است که انسان درمی‌ماند. راستی معنا و مفهوم زندگی چیست و کدامین را باید پذیرفت. فقط در اشعار شاعران معاصر وقتی سرک می‌کشی، می‌بینی هر کدام به نحوی زندگی را تعریف کرده اند. فروغ فرخزاد می‌گوید: زندگی شاید خیابان درازی باشد که زنی هر روز از زنبیلی از آن می‌گذرد. زندگی شاید طفلی باشد که از مدرسه برمی‌گردد. زندگی شاید روشن کردن یک سیگار باشد در فاصله رخوتناک دو هم آغوش ... و یا کارو می‌گوید: زندگی یعنی هیاهو،

زندگی یعنی تکاپو، زندگی یعنی شب نو، روز نو، اندیشه نو. زندگی یعنی غم نو، حسرت نو، بیشه نو، زندگی بایست سرشار از تکان و تازگی باشد. زندگی بایست در پیچ و خم راهش در الوان حوادث رنگ بپذیرد. و یا سهراب سپهری که گفته: زندگی سوت قطاری است که در خواب پُلی می‌پیچد. زندگی دیدن یک باغچه از شیشه مسدود هواپیماست. زندگی یافتن سکه دهشاهی در جوی خیابان است. زندگی گل به توان ابدیت، زندگی هندسه ساده و یکسان نفسه‌است. هر کجا باشم. و یا خواننده وقتی می‌خواند: ای زندگی در چشم من همچون سرابی، تو افسونی، افسانه

سازی، نه آرزو نقش بر آبی. ای زندگی افسانه ای، خواب و خیالی ... ابتهاج می‌سراید: زندگی زیباست، راز کن. هر که عشقش در تماشا نقش بست، عینک بدبینی خود را شکست. نادرپور سروده: گر آخرین فریب تو ای زندگی نبود، اینک هزار بار رها کرده بودمت. زان پیشتر که باز مرا سوی خود کشی، در پیش پای مرگ ندا کرده بودمت. محمدعلی صالحی که گفته: زندگی موسیقی گنجشک هاست، زندگی باغ تماشای خداست. زندگی یعنی همین پروازها، صبح‌ها، لبخندها، آوازها. زندگی ذره کاهی است که کوه اش کردیم.

خبر

سه‌م نیم‌درصدی کتابخانه‌ها از درآمد شهرداری‌ها قانون است



معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار گلستان گفت: سهم نیم‌درصدی کتابخانه‌ها از درآمد شهرداری‌ها قانون است و اگر شهرداری‌ها قانون را اجرا نکنند به کمیسیون تخلفات معرفی می‌شوند. به گزارش مهر، سیدعلی مهاجر اظهار کرد: تمرکز بر زیرساخت‌های کتابخانه‌ها، تعمیر و نگهداری آن‌ها باید در دستور کار انجمن کتابخانه‌های عمومی قرار بگیرد. وی افزود: یکی از مواردی که انتظار داریم در دستور کار شهرداری‌ها، به‌خصوص شهرداری گرگان قرار بگیرد، اختصاص زمین‌های عام‌المنفعه به کتابخانه است. معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار گلستان گفت: به علت ضعف مدیریت شهری در سالیان متمادی شاهدیم که در شهرها، خصوصاً شهر گرگان مکان‌های عام‌المنفعه مثل مسجد، کتابخانه، پارک و مدرسه در بافت‌های جدید شهری، دیده نشده است و این نشان دهنده انحراف در این مسیر است. وی یادآور شد: یکی از افتخارات گذشتگان ما این است که در هر محله‌ای که شکل می‌گرفت مسجد، کتابخانه، پارک و مدرسه برای آن در نظر گرفته می‌شد. مهاجر اظهار کرد: سهم نیم‌درصدی کتابخانه‌ها از درآمد شهرداری‌ها قانون است نه یک صدقه به کتابخانه‌ها و اگر شهرداری قانون را اجرا نکنند، تخلف کرده است. وی افزود: لازم است برای تحقق این سهم، کمیته‌ای تشکیل شود، مبنای مشخص و برای پرداخت آن توسط شهرداری‌ها، ضرب‌الاجل تعیین کند. معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار گلستان گفت: اگر شهرداری‌ای از اجرای این قانون و پرداخت سهم نیم‌درصد، سر باز زد، به کمیسیون تخلفات معرفی می‌شود و مطمئناً در این کمیسیون خود را مکلف به پی‌گیری اجرای این قانون و برخورد با متخلف می‌دانیم.

تاریخ‌سازی ژیمناستیک کار گلستانی در هانگژو



مهدی الفتی ژیمناستیک کار گلستانی تیم ملی ژیمناستیک هنری ایران، در بازی‌های آسیایی هانگژو به مدال نقره رسید و در این رشته برای کشور تاریخ‌ساز شد. به گزارش ایرنا، الفتی در فینال پرش حرک با کسب نشان نقره این رقابت‌ها و ایستادن بر سکوی نایب قهرمانی نخستین مدال تاریخ این رشته را برای کاروان ایران به ارمغان آورد. این ملی‌پوش گلستانی در رقابت با رقبای سرسختش در فینال رقابت‌های پرش حرک با کسب امتیاز ۱۴.۷۸۳ امتیاز موفق به کسب مدال نقره شد. در این رشته و اتورا تانینگاوا از ژاپن با کسب ۱۵.۱۶ امتیاز به نشان طلا و محمد شارول از مالزی با کسب ۱۴.۴۶۶ امتیاز به نشان برنز این دوره از رقابت‌ها رسیدند. پیش از این و در مسابقات فینال ۶ وسیله، محمدرضا خسرونژاد در پایان شش با امتیاز ۷۶.۷۳۰ در رده هفتم و محمدرضا حمیدی دیگر نماینده ایران در مسابقات ۶ وسیله نوزدهمین دوره بازی‌های آسیایی بود که در پایان این بخش با امتیاز ۷۵.۵۳۲ در رده دهم قرار گرفتند. همچنین صابر کاظمی ملی‌پوش پچ دست گلستانی تیم ملی والیبال ایران همراه این تیم در رقابت‌های هانگژو به مدال طلا دست یافت. یاسین سلمانی و سیدمجید نصیری ملی‌پوشان گلستانی، تیم ملی امید هم در این بازی‌ها به همراه سایر ملی‌پوشان تاکنون با شکست حریفان خود در مرحله یک چهارم نهایی حضور دارند. پرهام مقصودلو استاد بزرگ بین‌المللی شطرنج نیز دیگر گلستانی حاضر در بازی‌های آسیایی هانگژو در قالب ملی‌پوش این رشته ورزشی است که در رقابت‌های انفرادی به علت کسالت جسمانی پس از دور ششم، از ادامه حضور در رقابت‌های این بخش انصراف داد تا برای رقابت‌های تیمی آماده شود. امیرحسین یازولو بازیکن ملی‌پوش بسکتبال سه نفره ایران، نیز گلستانی است

در تیم ملی کبلی بانوان هستند که با حضور در محل برگزاری این بازی‌ها منتظر صف‌آرایی در برابر حریفان خود نشسته‌اند. غلامرضا مازندرانی، وجه‌الله شهری و زهرار رحیمی‌نژاد هر سه از گلستان به ترتیب به عنوان سرمربی، مربی بدنساز تیم ملی مردان و نیز سرپرست تیم ملی کبلی زنان ایران در بازی‌های آسیایی هانگژو حضور دارند. حسین آقایی، مرتضی فتحی، منصوره ابوجعفری و خدیجه بای همگی در رشته کبلی، حسن اکرمی در رشته فوتبال و محمد رحبی در رشته بسکتبال از گلستان به عنوان داور به بازی‌های آسیایی هانگژو حضور دارند. عادل مجللی و مهسا مجللی نیز از گلستان در تیم ملی قایقرانی اعزامی به بازی‌های آسیایی هانگژو به عنوان ورزشکار و مربی در کنار علی فولادی‌فر در رشته سپک‌تاکرا به عنوان داور اعزام شده‌اند.

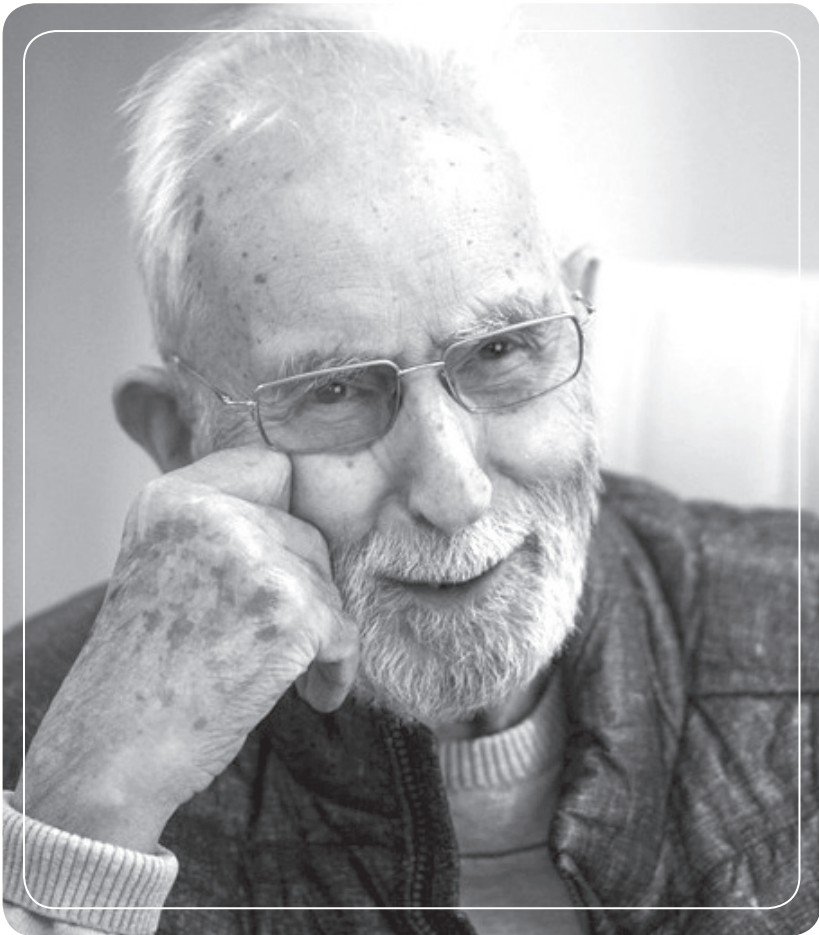
که در کنار سایر ملی‌پوشان همچنان در کوران رقابت‌های مرحله حذفی این رشته در بازی‌های آسیایی هانگژو حضور دارد. هومر عباسی شناگر گلستانی تیم ملی در بازی‌های آسیایی هانگژو که انتظار کسب عنوان از او بود، نتوانست جایگاهی بهتر از پانزدهم و هجدهم در مواد ۵۰ متر کرال و نیز ۱۰۰ متر کرال پشت به دست آورد و از صعود به مرحله بعد باز ماند. بهمن سالمی نیز دیگر ورزشکار گلستانی در بازی‌های آسیایی هانگژو است که در تیم ملی والیبال ساحلی حضور داشت که در مرحله یک هشتم نهایی با شکست تیمی مقابل تیم قطر، به مقام پنجم دست یافت. فاضل اترجالی، علیرضا میرزاییان، محمداکرم ناصری و امیرحسین بسطامی ملی‌پوشان گلستانی تیم ملی کبلی مردان در بازی‌های آسیایی هانگژو در کنار صدیقه جعفری و محدثه رحبلی

واگذاری زمین به متقاضیان جوانی جمعیت انجام می‌شود. مدیرکل راه و شهرسازی گلستان ادامه داد: در همین راستا، در استان گلستان مراسم دومین مرحله واگذاری زمین رایگان به ۲۱۲ خانواده گلستانی مشمول قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت برگزار خواهد شد. این مقام مسئول در خصوص اراضی که قرار است واگذار شود، گفت: این اراضی با متراژ ۲۸ هزار و ۱۷۹ متر مربع، در شهرهای گرگان، جلیان، قرق و ترکمن قرار دارد. ملک خاطرنشان کرد: تاکنون مجموعاً ۷ هزار و ۸۴۶ خانواده دارای سه فرزند و بیشتر در استان در قالب قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت ثبت نام کرده که با برنامه‌ریزی‌های لازم تلاش می‌شود تا به تمامی متقاضیان واجد شرایط زمین تخصیص یابد.

مدیرکل راه و شهرسازی گلستان از واگذاری زمین به ۲۱۲ خانواده مشمول قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در این استان خبر داد. به گزارش روابط عمومی، مهدی ملک اظهار کرد: تحویل زمین به خانواده‌های دارای سه فرزند به بالا از وظایف وزارت راه و شهرسازی در این حوزه بوده که اداره کل راه و شهرسازی گلستان تاکنون بخشی از این وظیفه را انجام داده است. وی با اشاره به اینکه در ماه‌های اخیر اداره کل راه و شهرسازی گلستان قرارداد زمین رایگان به ۳۰۰ خانواده در شهرهای گرگان، کلاله و ترکمن در قالب قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت واگذار کرد، گفت: در روزهای آتی همزمان با میلاد پیامبر اکرم (ص)، پوشش پیامبر رحمت در ۳۱ شهر کشور برگزار و مرحله دوم

واگذاری زمین به ۲۱۲ خانواده دارای ۳ فرزند و بیشتر

زندگی شمس و مولانا



اشاره: این هفته، هفته شمس و مولاناست. شخصیت های عالی رتبه ای که تأثیر بسیاری بر فرهنگ و هنر ایران زمین داشته اند. به این خاطر مقاله استاد دکتر محمد علی موحد را که به زندگی شمس و ارتباط او با مولانا پرداخته اند منتشر می شود.

محمد بن علی بن ملک داد، درویش بی نام و نشانی که در بامداد روز شنبه بیست و ششم جمادی الاخری سال ۶۴۲ ق به قونیه آمد و مولانا جلال الدین محمد بلخی (۶۰۴-۶۷۳ ق) را، که عالم و مدرس و واعظی برجسته بود، مجذوب خود ساخت. مصاحبت شمس تحولی عظیم در احوال و افکار مولانا پدید آورد. سنت مولویان - که قراین نیز آن را تأیید می کند - بر آن است که شمس تبریزی در آن هنگام مردی شصت ساله بود و مولانا بیش از یک نیمه عمر خود را سپری کرده بود. انبوه آثار منظوم و منثور که از مولانا در دست داریم حاصل نیمه کوتاه تر عمر او، یعنی دوران پس از رسیدن به شمس، است. در آن میان تنها یک اثر را می توان مستثنی دانست که یادداشت هایی از چند مجلس سخنرانی در آغاز کار واعظی مولاناست (مجالس سبعه). این اثر نیز، که به لحاظ محتوا بسیار کم مایه تر از سایر آثار مولاناست، در دوره های بعدی بازنویسی شده و شواهد روشن دستکاری ها در آن نمایان است. ابعاد که در زندگی مولانا، پس از ظهور شمس و مصاحبت او، پیدا شد چندان شگرف و شگفتی انگیز است که برخی در اصل ماجرا، یعنی در واقعیت تاریخی وجود شمس تبریزی، تردید کرده اند، اما مولانا در تمام آثار خود سه استثنای یکی که به آن اشاره شد - از شمس تبریزی دم زده است. سراسر دیوان کبیر او مناقب نامه شمس تبریزی است که از همین رو به نام «دیوان شمس تبریزی» شهرت یافته است. در فیه مافیه و مکتوبات، که دو اثر منثور از مولاناست، باز یاد شمس تبریزی در میان است. در مثنوی معنوی، که محصول اواخر عمر اوست، هر جا که نام شمس تبریز را می برد همان شور و ربودگی که در غزلیات او منعکس است تجدید می شود. آنگاه که شمس به قونیه آمد، مولانا مردی نام آور بود مریدان و شاگردان داشت و از موقعیت اجتماعی تثبیت شده ای برخوردار بود. جمعی از مریدان سلطان العلماء (پدر مولانا) که همراه او از خراسان به بلاد روم (اناطولی) آمده بودند، در مصاحبت مولانا بودند و او را سخت گرامی می داشتند. پیدا شدن درویش بی نام و نشانی که از گرد راه رسیده، مولانا را شگفت و ربهوده خود کرده بود بر آنان گران می افتاد. ناخشنودی ها و بهانه گیری ها اندک اندک به تعصب و غوغا انجامید و شمس چندبار به حالت قهر از قونیه به شام رفت و بازگشت و آخر الامر در ۶۴۵ ق ناپدید شد و کسی ندانست که به کجارت. بی قراری و پریشانی مولانا و غم و اندوه او پس از غیبت شمس خارج از حد تصور بود چند بار در طلب او به شام رفت. در نهایت آن طوفان درد و آشفتگی که بر دل و جاننش چیره شده بود با دریافت خبر وفات شمس فروکش کرد تفصیل ماجرای ورود شمس به قونیه تا ناپدید شدن او، البته با شاخ و برگ های خاص روایات خانقاهی در دو اثر تقریباً هم زمان، یکی به نظم و دیگری به نثر حکایت شده است. اثر منظوم به نام «ابتدائیه» یا «مثنوی ولدی» از سلطان ولد فرزند مولاناست که او آن را در ۶۹۰ ق، تقریباً هجده سال پس از درگذشت مولانا، سروده است و اثر منثور از فریدون بن احمد سپهسالار است که مدعی چهل سال سابقه مصاحبت با مولاناست از قراین چنین برمی آید که سپهسالار با سلطان ولد تقریباً هم سن و سال بود و سلطان ولد هنگامی که شمس به قونیه آمد جوانی بیست ساله بود. این دو اثر منظوم و منثور روایت های دست اول از ماجرای شمس و مولانا نیستند روایت سوم و مبسوط تری نیز از آن ماجرا در مناقب العارفین شمس الدین احمد افلاکی (متوفی ۷۶۱ ق) آمده است افلاکی شخصاً مولانا را ندیده و کتاب خود را در ۷۱۸ ق، چهل و شش سال

پس از درگذشت مولانا، آغاز کرده و در فراهم آوردن آن از روایات پیران و مشایخ و حکایت هایی که در میان مولویان نقل میشده بهره جسته است اما مهم ترین و معتبرترین سند درباره شمس تبریزی مقالات خود او به نام مقالات شمس است که چاپ و نشر آن در تاریخی نسبتاً متأخر (۱۳۶۹ ش) صورت گرفت مقالات را می توان زندگی نامه خودنوشت شمس تبریزی خواند. در این کتاب است که ما با شخصیت واقعی مردی که آن تحول شگرف را در زندگی مولانا سبب شد آشنا می شویم؛ با کودکی های او و با پدر و مادر، او که آدم هایی ساده و خوش نیت از طبقه متوسط اجتماع بودند، و پسر نازپرورده شان که ظاهراً تنها فرزند خانواده بود حالات استثنایی پسر، از همان او ان کودکی خاطر پدر را مشوش می داشت. پدر نیک مردی عاطفی مزاج بود: «دو سخن گفتی آبش از محاسن فرو آمدی الا عاشق نبود. مرد نیکو دیگر است و عاشق دیگر» (شمس الدین محمد تبریزی، مقالات شمس تبریزی، ص ۱۱۹) حالات استثنایی پسر در او ان بلوغ شدت و بروز بیشتر پیدا می کند. هر چه پیش تر می رود خود را تنها تر و بیگانه تر می یابد. کم می خورد و کم می خوابد و احوال خود را از پدر و مادر پنهان می دارد پدر نگران و دلوایس سلامت اوست. می ترسد فرزند دلبندهش ضعیف و بیمار شود. اما فرزند دلپس او برای وسواس و نگرانی پدر نمی بیند به او اطمینان می دهد: «ضعیف نمی شوم قوتم چنان که اگر بخواهی چون مرغ از روزن بیرون برم» (همان ۷۴۰). احساس سبکی و چالاکي غریبی در خود می کند. پدر کلافه می شود و سر در نمی آورد. مضطربانه و بیچاره وار می پرسد: «ترا چه شد؟» پاسخ می شنود: «مرا هیچ نشد؛ دیوانه ام؟ کسی را جامه دردم؟ در تو افتادم؟ جامه تو دریدم؟» (همانجا) پاسخ فرزند از بی حوصلگی و دلزدگی او حکایت می کند و از طعن و کنایه خالی نیست. سال ها بعد که حکایت آن ایام را با مولانا بازمی گوید از احساس رمیدگی و گسیختگی که در برابر پدر داشت یاد می کند: «من در شهر خود غریب، پدر از من بیگانه، دلم از او می رمید. پنداشتمی که بر من خواهد افتاد. به لطف با من سخن می گفت، پنداشتم که مرا می زند،

خبر

طرح آبرسانی به ۲۸ روستای گلستان انجام شد



فرمانده سپاه نینوا استان گلستان از آبرسانی به ۲۸ روستا این استان خبر داده به گزارش روابط عمومی، علی ملک شاهکویی در مراسم ستاد پشتیبانی و حمایت از گروه های جهادی و بسیج سازندگی با اشاره به افتتاح ۴۲۶ پروژه محرومیت زدایی، اظهار کرد: طرح ویژه آبرسانی روستای کر در آق قلا با حضور سردار زهرای انجام شد. فرمانده سپاه نینوا استان گلستان از پایان مأموریت طرح قرارگاه پیشرفت آبادانی در مراوه تپه خبر داد و گفت: با برنامه ریزی های انجام شده توانستیم به ۲۸ روستای گلستان را آبرسانی کنیم. وی با بیان اینکه آخرین آبرسانی که انجام شد مربوط به روستای چله مراوه تپه است، افزود: کار آبرسانی به این روستا در کمتر از ۲۵ روز انجام شد. ملک شاهکویی با اشاره به اینکه در حال حاضر روستا چله مراوه تپه ۱۶ خانوار دارد، اظهار کرد: با امکاناتی که در طرح آبرسانی برای این روستا در نظر گرفته شد می تواند تا ۱۰۰ خانواده را پاسخگو باشد.

»»

اهل سنت دل در گرو اهل بیت پیامبر دارد

معاون هماهنگ کننده سازمان بسیج مستضعفین گفت: اهل سنت ما ارادت ویژه ای به اهل بیت (ع) و انقلاب اسلامی دارند. به گزارش روابط عمومی، حسین معروفی در حاشیه مراسم عطاافشانی گلزار شهدای امامزاده یحیی بن زید (ع) گنبدکاووس ضمن گرامیداشت هفته وحدت و دفاع مقدس گفت: پیامبر اسلام (ص) رحمت للعالمین، آخرین رسول الهی است که برای هدایت و سعادت بشری مبعوث شد. وی افزود: امروز جمهوری اسلامی ایران با پیروی از مکتب وحی و پیامبر آن مسیری را طی می کند که پیامبر اسلام و مکتب وحی برای ما مشخص کرده اند. معاون هماهنگ کننده سازمان بسیج مستضعفین با اشاره به تلاش دشمنان برای بر هم زدن وحدت در کشور گفت: اهل سنت دل در گرو اهل بیت دارند، هم ارادت دارند و هم به زیارت می روند و به برکت پیامبر اعظم بدون کوچک ترین اختلاف اعتقادی در کنار یکدیگر زندگی می کنند. سردار معروفی علت تغییر نام وزارت جنگ به دفاع را برگرفته از اصول و مبانی دینی بیان کرد و افزود: به واسطه حاکم بودن منطق عاشورا در دوران دفاع مقدس، جنگ نابرابر با اشرا و دشمنان به دفاع مقدس تبدیل شد. وی عملیات کربلای ۵ را سخت ترین عملیات دوران جنگ تحمیلی برشمرد و ادامه داد: در این عملیات نبرد تن به تن یا تانک با تانک نبود بلکه نبرد تن با تانک بود که باید این عملیات مقتل نویسی و مقتل خوانی شود چرا که رهبر معظم انقلاب شب های عملیات کربلای ۵ را شب های قدر جمهوری اسلامی ایران تعبیر می کند.



ایجاد کنسولگری ترکمنستان در گرگان مورد بررسی قرار گرفت



استاندار گلستان گفت: در ادامه سفر به ترکمنستان و در دیدار با وفا حاجی‌اف قائم مقام وزیر امور خارجه این کشور، ایجاد کنسولگری ترکمنستان در شهر گرگان مورد بررسی قرار گرفت. به گزارش روابط عمومی، علی محمد زنگانه اظهار کرد: در این مذاکرات توافقات خوبی صورت گرفت که یکی از آن‌ها ایجاد کنسولگری ترکمنستان در شهر گرگان است که مقرر شد طرفین وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و وزارت خارجه ترکمنستان این موضوع را به جد دنبال کنند. وی بیان کرد: تسهیل تردد مسافری و ایجاد ظرفیت تجارت چمدانی از طریق مرز اینچوبرون و آسان‌سازی صدور رویداد تجار از دیگر موارد مطرح شده در دیدار با قائم مقام وزارت امور خارجه ترکمنستان بود. وی ادامه داد: بررسی مشکلات زیست محیطی، توسعه گردشگری در بنادر ترکمن ایران و ترکمن‌باشی ترکمنستان، رفع مشکل رانندگان، راهاندازی بزرگراه از بندر ترکمن‌باشی تا اینچوبرون به عنوان یک طرح مهم و راهبردی راهبردی مورد تاکید قرار گرفت. استاندار گلستان گفت: موضوع دیگر مورد بررسی در این دیدار، ضرورت احیای تالاب گمیشان به عنوان تالاب گمیشان به عنوان تالاب مشترک ۲ کشور و ایجاد کمیسیون دائمی برای برگزاری مراسم سالروز مختوم‌قلی فراخی شاعر مشهور ترکمن بود.



بکارگیری نیروهای خرید خدمات آموزشی در گلستان

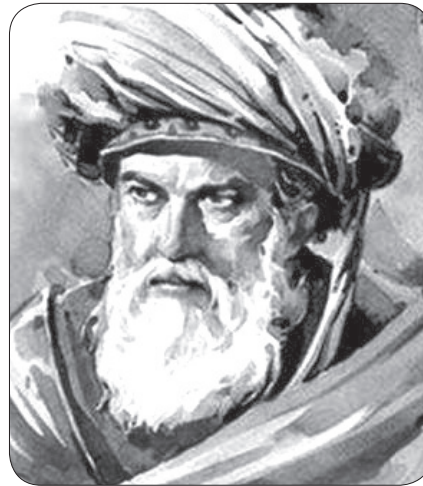
نماینده مردم گرگان و آق‌قلا از بکارگیری مجدد نیروهای خرید خدمات آموزشی، آموزش پرورش گلستان خبر داد. رمضانعلی سنگدوینی اظهار کرد: طی تماس تلفنی با صحرایی وزیر آموزش و پرورش، مشکل کمبود نیروی انسانی در آموزش پرورش استان به ویژه شهرستان آق قلا پیگیری شد. وی گفت: در این تماس وزیر آموزش و پرورش با بکارگیری نیروهای خرید خدمات آموزشی کل استان و ۹۰ نفر از نیروهای خرید خدمات آموزشی شهرستان آق قلا موافقت کردند.



۰۱۷۳۲۲۵۱۳۱۶

رسمی هم از جهت حاملان آن علم‌ها بود و هم از جهت پیامدهای ناگزیر دل سپردن به آنها و اهل مدرسه را مثنی حریصان دنیا طلب می‌دید که علم را برای خاطر علم نمی‌خواهند بلکه «تحصیل علم جهت لقمه دنیاوی» می‌کنند و آن را نردبانی برای دست‌اندازی به مشاغل و مناصب آب و نان‌دار می‌دانند (همان ص ۱۷۸) و برای نیل به موقعیت‌های پر درآمد از توسل به رشوه دادن نیز خودداری نمی‌کنند. رشوه می‌دهند تا مثلاً قاضی شوند و بتوانند در سایه مقام و نفوذ به مال و منال بیشتر دست یابند (همان، ص ۱۴۷). مشکل دیگر شمس با علوم رسمی آن بود که اشتغال به این علوم یک نوع رضایت خاطر کاذبی ایجاد می‌کند که انسان را از توجه به خود و تکمیل و تهذیب نفس بازمی‌دارد عجب و غرور و خودنمایی چون پرده‌ها و حجاب‌ها بر «گرد آدمی» تنیده می‌شود و او را از آنچه او گشاد درون می‌خواند بازمی‌دارد (همان، ص ۲۰۰). بدین گونه شمس از هر دو گروه، اهل مدرسه و اصحاب خانقاه، بی‌زاری می‌جوید. در سفرها از منزل کردن در مدرسه یا خانقاه خودداری می‌ورزد. می‌گوید طعام حرام از گلولی من پایین نمی‌رود (همان ص ۶۲۹). هزینه سفر و معاش خود را با کار کردن فراهم می‌آورد. حتی از «فاعلی» (عملگویی) ابا نمی‌کند. در شهرهایی که اقامت طولانی مدت دارد به مکتب‌داری و تعلیم کودکان می‌پردازد و به زهد و قناعت بسیار روزگار می‌گذراند. اینها همه در مقالات انعکاس دارد. سپهسالار و افلاکی هم گفته‌اند که او در زی بازرگانان سفر می‌کرد و به هر شهر که وارد می‌شد در کاروانسرای مخصوص تاجر پیشگان فرود می‌آمد و حجره‌ای می‌گرفت، قفل بزرگی هم بر در حجره می‌زد چنان‌که گویی بازرگان معتبری است و متاعی برای فروش دارد. روایت خود شمس چنین است که او همواره آرزوی مصاحبت با یکی از اولیای خدا را داشته است. در خواب به او می‌گویند که آرزویش برآورده می‌شود و آن ولی که نامزد مصاحبت اوست در بلاد روم زندگی می‌کند. مقالات یادداشت‌هایی است از سخنانی که او از ۶۴۲ تا اواخر ۶۴۵ق (فاصله زمانی آمدن به قونیه و ناپدید شدن او) به زبان آورده است. از اشارات او چنین بر می‌آید که او مولانا را شانزده سال پیش تر یعنی از آن زمان که در شام مشغول تحصیل بوده است دیده و زیر نظر داشته است (افلاکی، ج ۲، ص ۶۱۸). می‌گوید مأموریتی غیبی داشته است، تا مولانا را از قوم «ناهموار» که دور و بر او را گرفته بودند نجات دهد، اما باز در خواب به او گفته بودند که هنوز وقتش نرسیده است و باید منتظر بماند چون مولانا هنوز خام بود و مستعد صحبت او نبود (شمس‌الدین محمد تبریزی، مقالات شمس تبریزی، ص ۶۲۲، ۷۶۰). غروب شمس هم چون طلوع او، ناگهانی، نامنتظر و رازآلود بود. شمس به تعبیر خود مولانا صاعقه‌ای بود که بر او فرود آمد و آتشی در جان او انداخت و او را از موقعیت اجتماعی برجسته و پررونقی که داشت بیزار کرد. مریدان مولانا که فکر می‌کردند درویش گمنام مرشد و پیشوای آنان را جادو کرده است بر او شوریدند و او در ۲۱ شوال ۶۴۳ق، قونیه را به حالت قهر و اعتراض ترک گفت. مولانا فرزند خود، سلطان ولد را همراه جمعی از اصحاب به طلب او فرستاد و چون باز آمد (۶۴۴ق)، دختری کیمیا نام را که در خانه مولانا بزرگ شده بود به نکاح او درآورد. مولانا بر آن بود که شمس تعلق خاطر بیشتری در قونیه پیدا کند و از سفرهای نامنتظر خودداری کند. این تدبیر هم کارگر نیفتاد. مخالفان شمس از پای ننشستند. حتی علاء‌الدین برادر کوچک سلطان ولد را هم با خود همداستان کردند. بازار غوغا گرم شد تا روزی پامداد پگاه که مولانا به مدرسه آمد «خانه را از او خالی یافت» (سپهسالار، ص ۱۱۲). شمس رفته بود و رفتن او بار دیگر مولانا را پریشان و بی‌قرار کرد. او در طلب شمس بارها شخصاً به شام رفت که خیال می‌کرد شمس به آنجا رفته باشد. اما کسی سراغی از او نداد این جستجو و بی‌قراری مولانا ظاهراً تا رسیدن خبر مرگ شمس ادامه داشت. شمس پس از ترک قونیه راه زادگاه خود تبریز را در پیش گرفته و پیش از رسیدن به مقصد در شهر خوی وفات یافته بود. وفات او را در ۶۴۵ق، یعنی همان سالی که قونیه را ترک کرده بود، قید کرده‌اند. در دیوان مولانا یکی دو غزل هست که به اغلب احتمال پس از رسیدن خبر مرگ شمس و در مرثیه او سروده شده‌اند (دیوان کبیر، غزل شماره ۲۸۹۳، رباعی‌های شماره ۵۳۳ و ۵۳۴)

هشباری نمی‌رسند و حال آنکه هشباری شرط تعلیم و دست‌گیری از دیگران است و شیخی که به هشباری نرسیده باشد لایق رهبری نیست. شمس بزرگان تصوف را بر حسب همین نگرش درجه‌بندی می‌کند. مثلاً می‌گوید اوحدالدین کرمانی به کمال مستی هوا رسیده بود، و سید برهان‌الدین ترمذی و سلطان‌العلماء پدر مولانا، هر دو از مستی هوا گذشته و به مستی روحانی رسیده بودند، و در این عالم برهان‌الدین را موفق‌تر از سلطان‌العلماء می‌داند، اگرچه سلطان‌العلماء را «علم‌های زیادتی» بود و از نظر علوم رسمی بر برهان‌الدین مزیت داشت، لیکن «سید را بوی روح و مستی روح بیشتر» بود. شمس بزرگانی مانند حلاج و بایزید را نیز از فرماندگان در عوالم مستی می‌داند و تأکید می‌کند متابعت مستان نباید کرد، چه راه و برای عالم مستی است و در این مقام است که شمس از ابوبکر سله‌باف یاد می‌کند و او را در مرتبه چهارم از عوالم مستی جای می‌دهد و ارزیابی نهایی خود را درباره او پنهان نمی‌دارد: «آن شیخ ابوبکر را مستی از خدا هست، ولیکن آن هشباری که بعد از آن است نیست. این از روی علم معلوم شد این بنده را». و همین اشاره است که معلوم می‌دارد که چرا شمس از مصاحبت شیخ سله‌باف روی بر تافته و در



طلب شیخ کامل‌تری پای در سفر نهاده است: «این مرد، با این کمال رسیده، غرق است در نور خدا، و مست است در لذت حق، رهبری را نشاید، زیرا مست است، دیگری را چون هشبار کند؟ و برای این مستی هشباری است، چنان‌که شرح کردیم. مردی که بدان هشباری رسد لطفش بر قهرش سبق دارد. و آن‌که مست است بدان هشباری نرسیده است، لطفش با قهرش برابر است. آن را که لطف غالب شد رهبری را شاید» (همان، ۱۴۷) (گفتیم که شمس در جوانی به تحصیل فقه پرداخت و پس از چندی آن را رها کرد. او فقه را به استخفاف «علم استیجا» (همان، ص ۷۱) می‌خواند و همانند غزالی آن را دانشی می‌داند که فاقد اصالت است و بیشتر به کارکردهای ناسالم و نامعقول افراد فاسد اجتماع وابسته است. فقیهان از قبل انحرافات اخلاقی و طبایع تعدی جوانه جاهلان و ظالمان ارتزاق می‌کنند «اگر جاهلان نبودندی، این همه رنج و این همه علم‌ها در آن نایستی کردن و جستن. اگر این مردک ننگتی زن را که تو مادر و خواهر منی! این هیچ عاقلی گوید الا جاه؟» (همان ص ۷۷۸). از قول فقیهی آورده است که روزی بیدار شد و افسوس خورد که چرا عمر به باطل گذشته و فضای خاطر را با مسائلی چون «ایلاء» و «ظهار» انباشته است (همان، ص ۳۱۶). ملالت عمده شمس از علوم

است، به گوشه‌های رها کن تا بر خود می‌سوزد» (همان، ص ۶۷۷). آن یار گرم حال کی بود؟ و از آن پس چه شد؟ چیزی نمی‌گوید، ولی سن و سال خود را مشخص می‌کند که در آن زمان «هنوز مراهق»، یعنی نزدیک به سن بلوغ بود. جامی و دیگران از رکن‌الدین سجاسی و باباکمال جندی به عنوان مشایخ شمس نام برده‌اند، اما هیچ ذکری از آن دو در مقالات نمی‌یابیم. سجاسی شیخ اوحدالدین کرمانی است و شمس از ارتباط خود با اوحد سخن می‌گوید (همان، ص ۲۹۴). از تاج‌الدین اردبیلی نیز آورده‌اند که او تلقین ذکر از شیخ زاهد گیلانی داشته و شیخ زاهد به واسطه شمس تبریزی آن را از رکن‌الدین سجاسی فرا گرفته است (گولینارلی، ص ۲۰۲-۲۰۳). شمس‌الدین محمد تبریزی، همان، ص ۶۴) شیخ سجاسی بعد از ۶۰۶ق وفات یافته و بنابراین بعید نمی‌نماید که شمس تبریزی او را در یافته و در صحبت او با اوحدالدین کرمانی آشنا شده باشد. شیخ ابوبکر سله‌باف تبریزی یکی دیگر از مشایخ تبریز است که افلاکی در مناقب می‌گوید شمس در اول حال مرید او بود و تربیت از او یافت و چون به مرتبه کمال رسید در طلب کامل‌تری پای در سفر نهاد (افلاکی، ج ۲، ص ۶۱۵). از این پیر سله‌باف چند بار در مقالات نام برده شده، شرح احوال او را نیز حسین کرلایی در روضات‌الجنان (ج ۱، ص ۲۹۱-۲۹۴) آورده است. او هر چند با هفتاد یا هفتاد و چند تن بابای تبریز هم‌زمان بود، ظاهر آراه و روش خاص خود را داشت و از آنان جدا می‌بود. آن هفتاد بابا ملازم خدمت باباحسن ولی بودند که در گوشه شمال شرق تبریز در محله سرخاب خانقاه داشت و در همان جا به خاک سپرده شد. مزار پیر سله‌باف در جنوب غرب شهر در محله چرنداب کنار مزار ابو منصور محمد بن اسعد مشهور به حفده نیشابوری است. از امام حفده در مقالات به بزرگی یاد می‌شود. او مملوح خاقانی بود و فضایل و کرامات بسیار از او نقل کرده‌اند. پیر سله‌باف رسم خرقه دادن را که در میان سلسله‌های تصوف معمول و متداول بود قبول نداشت (شمس‌الدین محمد تبریزی، مقالات، شمس تبریزی، ص ۷۵۶) شمس نیز از آن رسم تبری می‌جوید: «او... از من خرقه خواسته و مولانا گفته خرقه نیست قاعده من. خرقه من صحبت است و آنچه تو از من حاصل کنی خرقه من آن است» (همان ص ۲۲۴). شاید مخالفت شمس با برخی دیگر از رسوم خانقاه‌های مانند چله‌داری و خلوت‌نشینی هم ریشه در تعالیم شیخ ابوبکر سله‌باف داشته باشد (همان، ص ۱۷۱، ۲۸۴، ۷۵۶؛ شمس‌الدین محمد تبریزی، ص ۶۲۶، ۱۱۲) (معمولاً اهل تصوف را به دو گروه اصحاب سُکر و اصحاب صُحو (مستان و هشیاران) تقسیم می‌کنند. به نظر شمس سُکر و صحو دو مرحله‌اند که در طول هم جای دارند. مرحله سُکر که شمس معادل فارسی آن (مستی) را به کار می‌برد بر چهار مرتبه است و صحو یا هشباری عالمی است که پس از طی مراتب چهارگانه مستی به آن توان رسید. در جایی دیگر از عوالم سه‌گانه مستی سخن می‌گوید که سومین آن خود دو مرتبه دارد: مستی راه خدا و مستی از خدا که بدین گونه مجموع عوالم مستی بر چهار بالغ می‌شود. عالم اول، مستی از هواست و مقصود از او هوا لذایذ مادّی و جسمانی از قبیل «ز و زن و دنیا» نیست، نفسانی است که شاید بتوان از آن به از آن سخن گفت خودشیفتگی تعبیر کرد (ابن عربی هم تفسیر خاصی از هوا دارد که در چندجا از جزء سوم و جزء چهارم ته است. هوا در این تفسیر چیزی است منطبق با اراده که می‌تواند معطوف به خیر یا شر باشد فتوحات‌المکیه شد). در طبقه‌بندی چهارگانه شمس بالاتر از مستی عالم هوا مستی عالم روح است و چون از آن عالم هم بگذری، به مستی عالم ربّانی می‌رسی و آن مستی، چنان‌که گفتیم، خود دو مرتبه دارد. مرتبه دوم یعنی مستی از خدا کمال و نهایت عوالم مستی است و بعد از آن هشباری است که شمس تأکید فراوان درباره آن دارد و بر آن است که بسیاری از مشایخ در پیچ‌وخم‌های عوالم چهارگانه مستی گیر می‌کنند و به

روزگار خاکستر نشینی طلای سفید تمام می شود؟

سطح بالای زیر کشت پنبه در گلستان باعث شده بود کارخانه های پنبه پاکنی و روغن کشی زیادی در منطقه راه اندازی شود

بالا بودن هزینه تولید، پایین بودن قیمت خرید، جایگزین کردن کشت های مقرون به صرفه و واردات بی رویه و ش، توسعه کشت پنبه را در گلستان محدود کرده و از آن روزهای طلایی فقط نام و نشانی محو و کم رنگ باقی مانده است. به گزارش ایسنا، در گذشته نه چندان دور در بیش از ۲۰۰ هزار هکتار از اراضی گلستان پنبه کشت می شد و به دلیل زمین های بزرگ کشت پنبه، استان گلستان به سرزمین طلایی سفید شهرت داشت اما امروزه بر اثر برخی بی تدبیری ها کشت پنبه به کمتر از چند هزار هکتار در استان گلستان کاهش پیدا کرده است. واردات بی رویه منسوجات، عدم تناسب قیمت گذاری پنبه با سایر محصولات، افت کیفی بذور پنبه و کاهش تناژ در واحد سطح، افت زدگی و کم رغبتی کارخانجات پنبه پاکنی به خرید محصول داخلی از جمله دلایلی بود که سبب شد کشت و یا به روایت دیگر صنعت پنبه گلستان زمین گیر شود. هادی جرجانی یکی از کشاورزان پیشرو در روستای سرخنکلاته گرگان است که موفق شده علاوه بر پنبه سفید، پنبه خودرنگ در رنگ های قهوه ای و سبز که برای تولید لباس کاربرد زیادی دارد، تولید کند. این کشاورز پر تلاش اظهار کرد: قیمت پایین خرید تضمینی پنبه مهمترین مشکل کشاورزان پنبه کار در کشور است. جرجانی افزایش قیمت خرید تضمینی پنبه را عامل مهم تشویق کشاورزان به کشت بیشتر این محصول دانست و افزود: کشت پنبه با توجه به کاربرد آن در بخش صنایع اشتغالزایی بالایی ایجاد می کند و این مطلب مهمی است که نباید به سادگی از کنار آن گذشت.

تولید پنبه ۵ برابر کمتر از شالی نیاز به آب دارد

وی با اشاره به اینکه فرهنگ کاشت پنبه باید در کل کشور تقویت شود، گفت: کشت پنبه در هر هکتار تنها بین هزار و ۵۰۰ تا ۲ هزار مترمکعب آب نیاز دارد که نسبت به کاشت شالی ۵ برابر کمتر آب مصرف شده و جزء گیاهان کم آب بر محسوب می شود، علاوه بر آن کشت پنبه سبب تقویت و احیای خاک اراضی کشاورزی خواهد شد. پژوهشگر بین المللی آب و خاک نیز با اشاره به اینکه پنبه تنها گیاهی است که علاوه بر منشأ تولید غذا منشأ تولید فیبر نیز محسوب می شود، گفت: سطح زیر کشت پنبه در سال های اخیر به نفع سایر محصولات کاهش یافته و این در حالی است که به عنوان مثال کشت پنبه بعد از کشت گندم باعث کاهش بیماری های گندم و کنترل راحت تر آفات می شود و به همین دلیل با خارج کردن پنبه از دوره تناوب زراعی، خسارات جبران ناپذیری به محیط زیست وارد می شود. محمد اسماعیل اسدی بیان کرد: با توجه به بحران کمبود آب در کشور، پنبه از لحاظ کم مصرفی آب محصول مناسبی به شمار می رود زیرا نیاز آبی پنبه عمدتاً به دوران گل دهی این محصول خلاصه می شود و با مدیریت صحیح زراعی و استفاده از سامانه کشاورزی حفاظتی می توان مصرف آب آن را به مقدار بهینه ای کاهش داد.

اشتغالزایی بالای کشت پنبه

وی با بیان اینکه کارخانجات پنبه پاکنی می توانند نیروی کار فراوانی را برای تولید پنبه محلولج به کار گرفته و از نظر اشتغال زایی نقش بسیار مؤثری ایفا کنند، گفت: کیفیت پنبه تولیدی ایران به دلیل شرایط مناسب آب و هوایی در مقایسه با کشورهای آسیای میانه بالاتر بوده



« کشت پنبه در هر هکتار تنها بین هزار و ۵۰۰ تا ۲ هزار مترمکعب آب نیاز دارد که نسبت به کاشت شالی ۵ برابر کمتر آب مصرف شده و جزء گیاهان کم آب بر محسوب می شود

سطح بالای زیر کشت پنبه در گلستان باعث شده بود کارخانه های پنبه پاکنی و روغن کشی زیادی در منطقه راه اندازی شود و زمینه اشتغال هزاران نفر را به طور مستقیم و غیر مستقیم فراهم کند اما امروزه بسیاری از کارخانه های پنبه گلستان تعطیل شده است. رئیس هیأت مدیره صندوق پنبه کشور نیز در پنجمین جلسه کمیسیون کشاورزی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی گرگان با اشاره به اینکه مشکل ما کم توجهی وزارت کشاورزی به واردات پنبه است، اظهار کرد: وزارت کشاورزی از تولیدات داخلی به ویژه تولید پنبه هیچ گونه حمایتی ندارد.

سهولت اخذ مجوز عامل هجوم آوردن کارخانه داران

به واردات پنبه اسدالله پاک سرشت سهولت اخذ مجوز از سوی مسئولان را عامل هجوم آوردن کارخانه داران به واردات پنبه دانست و افزود: برای واردات پنبه دولت ارز نیمایی و ارزان قیمت در اختیار واردکنندگان قرار می دهد، در صورتی که برای حمایت از تولیدکنندگان پنبه کشور، باید واردات پنبه با ارز آزاد انجام شود.

تعرفه خودرو ۱۵۰ درصد، تعرفه محصولات کشاورزی صفر

رئیس هیأت مدیره صندوق پنبه کشور با انتقاد از سیاست یک بام و دو هوای دولت در بحث واردات تصریح کرد: تعرفه واردات اتومبیل در کشور ما ۱۵۰ درصد بوده و در برخی موارد نیز اجازه واردات را نمی دهند، ولی تعرفه واردات محصولات کشاورزی و از جمله پنبه صفر است و باید این مشکل هر چه زودتر حل شود. پاک سرشت به کمیسیون کشاورزی و اتاق بازرگانی پیشنهاد داد، پیش قدم مطالبه گری حذف تعرفه صفر از واردات محصولات کشاورزی شوند و افزود: ما آمادگی داریم با ارائه مستندات و گزارش های علمی اثبات کنیم حذف تعرفه گمرک از محصولات کشاورزی به مصلحت کشور است.

و این از جمله دیگر مزیت های تولید این محصول در کشور است. این پژوهشگر آب و خاک کشت پنبه را با توجه به فرآورده های جانبی در مقایسه دیگر محصولات کشاورزی یک محصول استثنایی دانست و افزود: مصرف الیاف طبیعی مانند پنبه نسبت به دیگر الیاف مصنوعی مزیت بیشتری دارد و از سوی دیگر صادرات پنبه خام، منسوجات و پوشاک پنبه ای یکی از راه های تحصیل ارز است و ارزآوری پنبه خام نسبت به دیگر کالاهای غیر نفتی برتری دارد. اسدی ادامه داد: استان گلستان در دهه های گذشته شاهد کشت پنبه در صدها هزار هکتار، اشتغال دهها هزار نفر و فعالیت چندین کارخانه پنبه پاک کنی و واحدهای تولیدی وابسته بود که طی سال ها و به دلایل گوناگون از جمله عدم حمایت بالادستی و عدم پرداخت یارانه به کشاورزان و همچنین عدم به روز شدن صنایع نساجی، کشت این محصول به چند هزار هکتار کاهش یافت. وی گفت: بالا بودن هزینه تولید و دوره طولانی رشد گیاه و برداشت محصول (حدود هشت ماه)، خشکسالی، پایین بودن قیمت خرید، حمایت ضعیف از این محصول راهبردی، جایگزین کردن کشت های مقرون به صرفه و واردات بی رویه و ش، توسعه کشت پنبه را در گلستان محدود کرد و از آن روزهای طلایی فقط نام و نشانی محو و کم رنگ باقی ماند.

با ایجاد هر یک شغل در کشت پنبه ۵ شغل در صنایع مرتبط ایجاد می شود

این محقق آب و خاک با بیان اینکه در سطح زیر کشت پنبه این استان در دهه های گذشته بین ۱۸۰ تا ۲۰۰ هزار هکتار بود اما استمرار مشکلات و کمبودهای مطرح شده این مقدار را به میزان زیادی کاهش داد، تصریح کرد: اهمیت پنبه در اشتغال زایی به گونه ای است که با ایجاد یک شغل در زراعت پنبه می توان پنج شغل در صنایع مرتبط با آن ایجاد کرد. اسدی ادامه داد:

نظارت ضعیف جهاد کشاورزی بر تولید پنبه

دبیر انجمن صنایع پنبه گلستان ادامه داد: به جز پنبه استان گلستان که کیفیت مطلوبی دارد، نظارت جهاد کشاورزی بر تولید پنبه کشور ضعیف بوده و پنبه داخلی کیفیت لازم را ندارد. وی بالا بودن ضایعات پنبه داخلی و کاهش یکنواختی الیاف داخلی نسبت به الیاف وارداتی را از مشکلات پنبه تولیدی کشور برشمرد و افزود: علاوه بر این درصد الیاف کوتاه پنبه تولیدی کشور مانسبت به پنبه وارداتی بیشتر است.

پنبه با کیفیت گلستان با قیمت منصفانه خریداری نمی شود

پاک سرشت با اشاره به اینکه پنبه با کیفیت گلستان همانند گندم با کیفیتی که تولید می شود با قیمتی برابر با سایر پنبه های کشور خریداری می شود، اضافه کرد: این مسأله دور از انصاف است و باید با قیمت بالاتری خریداری شود. وی نرخ پایین خرید پنبه، تعرفه بدون دردسر و صفر گمرکی و حمل بار با قیمت مناسب از کشورهای همسایه را عامل واردات بیش از حد پنبه به کشور دانست و افزود: برای اولین بار در طول ۴۰ سال گذشته ۴۰۰ تن پنبه تولیدی استان گلستان و در حدود ۱۰ هزار تن پنبه فروش نرفته در کارخانه ها انباشته شده است. رئیس هیأت مدیره صندوق پنبه کشور با اشاره به اینکه نساجی که ظرفیت سالانه آن ۲ هزار تن است، ۴۰ هزار تن پنبه وارد می کند و این نامعادل هیچ معنایی به جز رانت ندارد، افزود: با این واردات بی رویه برخی کارخانه داران نساجی به جای تولید به دلال پنبه تبدیل شده اند که باید جلوی آن گرفته شود.

جزیره ای عمل کردن مسئولان مهمترین چالش پیشروی تولید پنبه

رئیس کمیسیون کشاورزی و صنایع وابسته اتاق بازرگانی گرگان از کشت پنبه به عنوان ظرفیت مناسبی در افزایش اشتغال و تولید ناخالص داخلی یاد کرد و گفت: جهاد کشاورزی گلستان در این حوزه دست تنها است. سیدهامان هاشمی با تاکید به اینکه برای احیای پنبه باید از جزیره ای عمل کردن خودداری کرده و به جای محکوم کردن هم به دنبال راهکار باشیم، خاطر نشان کرد: تمام دستگاه های اجرایی در راستای احیای کشت پنبه در گلستان به عنوان یک مطالبه استانی باید در کنار جهاد کشاورزی باشند تا این صنعت دوباره توسعه یابد. این فعال اقتصادی گفت: اینکه کشاورز به جای ارائه راه حل، کارخانه دار را محکوم کند و یا کارخانه داران به بهانه عدم کیفیت پنبه به راحتی پنبه واردات پنبه را جایگزین خرید پنبه کشاورزان داخلی کنند ما را به جایی نمی رساند بلکه باید در کنار هم موانع را بررسی و درصدد رفع آن باشیم. به گزارش ایسنا، کم آب بر بودن، اشتغالزایی بالا و احیای خاک از مزایای قابل توجه کشت این محصول استثنایی است که باعث می شود نتوانیم به راحتی از کنار اتفاق تلخ خاکستر نشینی طلای سفید در گلستان چشم پوشی کنیم. به گفته کارشناسان با برنامه های فراگیری از سوی همه دستگاه ها مانند جهاد کشاورزی، صنعت، معدن و تجارت، آب منطقه ای و جلوگیری از واردات بی رویه، حمایت از کشاورزان پنبه کار و قیمت گذاری عادلانه می توان این مشکل را حل کرد.

